پرده‌ی دوم. مقاومت در شهر

قواعد نظامی می‌گوید باید جایی دفاع کرد که زمینش قابل دفاع باشد؛ بر همین اساس برخی معتقد بودند اگر لب مرز چنین خصوصیتی داشته باشد آن‌جا دفاع می‌کنیم، اگر نه عقب می‌آییم و از موقعیت مناسب‌تری دفاع می‌کنیم. قواعد دیگر می‌گفت که برای دفاع از هر چهار کیلومتر یک گردان نیرو لازم است. در صورتی که لشکر ۹۲ زرهی به تنهایی مأمور دفاع از مرز صدها کیلومتری از دهلران تا اروند بود.

جنگ و انقلاب

وضعیت ایران انقلابی می‌توانست برخی قواعد نظامی را تا حدی تحت‌الشعاع قرار دهد. صدام و اغلب ژنرال‌های عراقی، ارتش ایران را ارتشی متلاشی‌شده می‌پنداشتند که با اولین ضربه فرو خواهد ریخت اما از همان لحظات اول هجوم سراسری مشخص شد که تحلیل‌هایشان دقیق نیست. در مرز شلمچه‌ی خرمشهر، نیروهای ژاندارمری و گروه‌های مردمی و سپاهی به دسته‌های پنج، شش نفری تقسیم شده بودند و از دژهای مرزی دفاع می‌کردند. چند دژ پشت سر هم سقوط کرد. افسری با یك قبضه تفنگ ۱۰۶ سر رسید و مدافعان با او همراه شدند و به عراقی‌ها حمله کردند. عراقی‌ها عقب نشستند و رزمنده‌های ایرانی تعقیبشان کردند. پاسگاه شلمچه‌ی عراق را هم فتح کردند و پرچم ایران را بالای پاسگاه زدند. بیست عراقی را هم اسیر کردند. البته عراقی‌ها خیلی زود ضدحمله کردند و دژها دوباره سقوط کرد، اما برای عراقی‌ها مقاومت پیش‌بینی‌نشده‌ی ایرانی‌ها شکننده بود.

۱۳ سال

شاید بتوان رسول نورانی و بهنام محمدی را با این سن جوان‌ترین مدافعان خرمشهر نامید. رسول کوچک‌ترین برادر در میان پنج برادر خانواده‌ی نورانی بود که در خرمشهر می‌جنگیدند.

مقاومت جانانه‌ی نیروهای مردمی و پاسدارها هم از نکاتی بود که گویا در محاسبه‌ی حزب بعث لحاظ نشده بود. از سوی دیگر صدام اختلافات و درگیری‌های سیاسی شدید در ایران را زیر نظر داشت و گمان می‌کرد حکومت نوپا توان حفظ خودش را نخواهد داشت. فرماندهان ارتش عراق پیش از حمله‌ی سراسری در جلساتشان به نتیجه رسیده بودند اگر نیروهایشان ده تا بیست کیلومتر در خاک ایران پیشروی کند، حکومت انقلابی تهران متلاشی می‌شود. آن‌ها تنها یک گزینه پیش رویشان می‌دیدند؛ پیروزی قطعی. حمدانی، از فرماندهان گارد ریاست‌جمهوری

> ”ستون دود برخاسته از پالایشگاه آبادان، مایل‌ها در آسمان زبانه کشیده... انگار همه‌ی آبادان آتش گرفته است.“
>
> **رابرت فریسک**، گزارشگر London Times

خرمشهر، پنجم مهر ۱۳۵۹. زنان خرمشهری پشتیبان جبهه بودند و مادر رزمندگان و برخی هم سلاح دست گرفته بودند؛ پای شهری آباد در میان بود.

خارج از مرز

عراق به سختی توانسته بود خرمشهر را، که شهری مرزی و کوچک بود، بگیرد و حالا قصد حمله به آبادان را داشت. همزمان با اعلام این تصمیم، صدای معترضان در ارتش عراق نیز بلندتر شد... افسران ارشد گله داشتند که اصلاً برای حمله به ایران با آن‌ها مشورت نشده. آن‌ها همچنین از نبود هدفی مشخص در جنگی که به سمت فرسایشی شدن پیش می‌رفت، گله‌مند بودند. در گزارشی که سی‌آی‌ای از وضعیت ارتش عراق منتشر کرده، آمده بود که با وجود برتری عراق در ساختار نظامی و تجهیزاتش، این کشور نتوانسته چندان پایش را از زمین‌هایی که در ابتدای جنگ گرفته بود، فراتر بگذارد و این‌که: «حتی در خرمشهر، جایی که سنگین‌ترین درگیری در آن به وقوع پیوست، عراقی‌ها مایل نبودند به مواضع ایرانی‌ها حمله کنند و ترجیح می‌دادند تا موضع دفاعی خود را با آتش توپخانه حفظ کنند.» عراقی‌ها همچنین نتوانسته بودند جاده و مسیر ریلی دزفول را قطع کنند که همین امر «به ایرانی‌ها زمان داد تا سازمان دوباره‌ای بگیرند و نیروهای کمکی [به منطقه] بیاورند.»

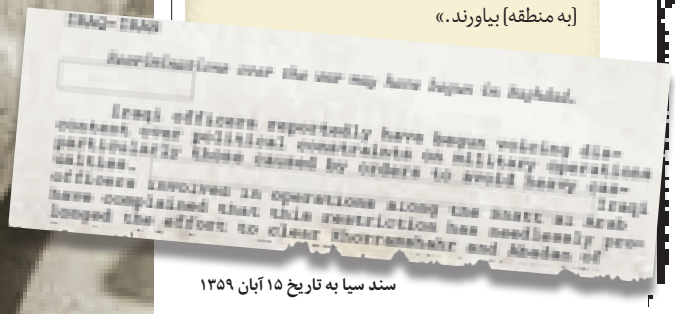

IRAQ-IRAN

Recriminations over the war may have begun in Baghdad.

Iraqi officers reportedly have begun voicing discontent over political constraints on military operations particularly those caused by orders to avoid heavy casualties.

Officers involved in operations along the Shatt al Arab Iraqi have complained that this restriction has needlessly prolonged the effort to clear Khorramshahr and Abadan of

سند سیا به تاریخ ۱۵ آبان ۱۳۵۹